

# اهمیت و ضرورت تعیین رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران

یکی از مهمترین موضوعات مطرح شده در برنامه‌های پنج ساله توسعه در ایران نحوه تنظیم رابطه مالی دولت و بخش نفت است که تا کنون به سامان مطلوبی نرسیده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، با توجه به اهمیت این موضوع خصوصاً در آستانه تدوین و تصویب برنامه پنجم کشور، گزارشی را تهیه نموده است که ضمن تشریح تاریخچه روابط ساختاری و مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران، مشکلات روابط موجود را فهرست نموده و در نهایت ضرورت تنظیم رابطه صحیح و مطلوب مالی میان دولت و بخش نفت را گوشزد نموده و ملاحظات حاکم بر آن را ذکر کرده است. با توجه به اهمیت موضوع متن گزارش مرکز پژوهشها را برای خوانندگان اقتصاد انرژی تا حد ممکن خلاصه کرده ایم.



## مقدمه

اجرای سیاست‌های کلی برنامه پنجم درباره نفت و گاز بدون تنظیم رابطه مالی دولت و شرکت نفت امکان پذیر نیست. رابطه مالی کنونی دولت و نفت بر اساس مصوبات سالیانه مجلس در قالب قوانین بودجه تنظیم می‌شود. این نوسانات دائمی و سالیانه امکان برنامه ریزی بلندمدت را از صنعت نفت و گاز سلب می‌کند. تعیین چگونگی رابطه مالی دولت و بخش نفت نیاز به تدوین قانون جامع نفت و گاز و اساسنامه شرکت‌های ملی نفت، گاز و پتروشیمی دارد و عدم تدوین اساسنامه‌ای متناسب با قانون اساسی جمهوری اسلامی سبب شده صنعت نفت کشور در ۳۰ ساله گذشته دچار بی‌هویتی سازمانی باشد و از مسائلی مانند عدم شفافیت، حاکمیت سازوکار مدیریتی سیاسی، شکل نگرفتن واقعی وزارت نفت و نامعین بودن وضعیت شرکت نفت از لحاظ معیارهای کارایی و اعتبار بین‌المللی رنج ببرد.

## اهداف و جایگاه تنظیم رابطه دولت و نفت

فضایی که در آن شرکت‌های ملی نفت شکل گرفتند (دهه میلادی ۱۹۷۰) تا به حال تغییر زیادی کرده است. شرکت‌های ملی نفت امروزه باید به طور فزاینده‌ای بر مهارت‌های فنی و مدیریتی تکیه کرده و برای بقا و داشتن عملکرد کارا، بر میزان شفافیت عملکرد خود بیافزایند.

انتظارات گروه‌های مختلف جامعه از دولت و مؤسسات تحت مالکیت دولت، به ویژه شرکت‌های ملی نفت، با توجه به مقدار قابل توجه درآمد تحت کنترل آنها، تغییر نموده و علاوه بر اصل سودآوری، شامل شفافیت و پاسخگویی در کنار کارایی نیز شده است.

در همین حال بازارهای گسترده، پیچیده و رقابتی جهان برای نفت و تولیدات نفتی، باعث کاهش ارزش راهبردی آن برای بسیاری از فعالان بازار شده است. علاوه بر این الگوهای ساختاری جدیدی ارائه شده‌اند که با تکیه بر رقابت، مشارکت بخش خصوصی (به جای اتکا بر مالکیت دولتی) و مقررات آسان

توسعه و استخراج و ایجاد انگیزه‌های لازم برای توسعه فعالیت و سرمایه‌گذاری در این زمینه

■ افزایش اعتبار شرکت در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی به منظور کاهش ریسک دریافت وام و جذب سرمایه خارجی

### از دیدگاه قوه مقننه

موارد زیر اهمیت دارد:

■ اجرای دقیق اصول قانون اساسی،

■ شفافیت

■ افزایش کارایی شرکت ملی نفت ایران

■ تولید صیانتی

■ رعایت منافع ملی در قراردادهای نفت و گاز کشور

### جایگاه تنظیم رابطه دولت و نفت

تعیین چگونگی رابطه مالی دولت و نفت یکی از مسائل مهم و اساسی کشور است، تبیین این رابطه نیاز به تدوین قانون جامع نفت و اساسنامه شرکت‌های ملی نفت، گاز و پتروشیمی دارد و طرح این مسئله در لایحه بودجه سالیانه فاقد منطق اصولی است. عدم تصویب اساسنامه‌ای متناسب با قانون اساسی سبب شده است که دولت با استناد به اساسنامه مصوب سال ۱۳۵۶ (که متناسب با شرایط قبل از انقلاب است) اختیارات گسترده‌ای در مسائل حوزه

نفت داشته باشد و در مواردی نیز خود را پاسخگوی مجلس نداند. با وجود اینکه مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۱۵ دولت را ملزم به ارائه اساسنامه این شرکت در مدت چهار ماه کرد، اما هنوز هم این اساسنامه تقدیم مجلس نشده است. در سال ۱۳۶۶ و در هنگام تصویب قانون نفت از دولت خواسته شد تا ظرف مدت یکسال اساسنامه سه شرکت ملی نفت، گاز و پتروشیمی را تهیه و ارائه کند. مجدداً در بند «د» تبصره «۱۱» قانون بودجه سال ۱۳۸۴، دولت مکلف شد اساسنامه‌های این سه شرکت را تا پایان خرداد ماه ۱۳۸۴، به مجلس تقدیم کند و این تکلیف در قانون بودجه سال‌های بعد نیز تکرار شد، اما تاکنون اساسنامه‌های مزبور به مجلس ارائه نشده‌اند.

### سابقه رابطه مالی دولت و شرکت نفت در ایران

قبل از انقلاب اسلامی - قبل از انقلاب، شرکت نفت از طرف دولت نقش متولی صنعت نفت را ایفا می‌کرد و همه فعالیت‌های صنعت نفت اعم از بالادستی و پایین‌دستی یا توسط خود شرکت یا تحت نظر آن انجام و کلیه درآمدهای ناشی از این فعالیت‌ها نیز به حساب درآمد این

ولی کارا در حفاظت از منابع مردم موفق بوده‌اند.

در بسیاری از کشورها، شرکت‌های ملی نفت با تحقق خصوصی سازی از میان رفته‌اند. در سایر کشورها، خصوصی سازی جزئی، تجاری کردن شرکت ملی نفت و مشارکت مستقیم و فزاینده بخش خصوصی به عنوان مسیر اصلاحات پذیرفته شده است. در ایران با توجه به جایگاه ویژه شرکت نفت، مراحل اصلاحات باید به نحوی طراحی شود که توانمندی نهادی برای پذیرفتن و ظیفی که شرکت نفت اکنون از انجام آنها منع می‌شود را ضمانت کنند. ذینفعان فعالی در عرصه تنظیم رابطه دولت و نفت حضور دارند که اهداف آنها می‌تواند متعارض باشد. در اینجا به اهداف سه دسته از این ذینفعان اشاره می‌شود:

### از دیدگاه دولت

فعالیت در بخش‌های بالادستی نفت و گاز بسیار سودآور است و رانت اقتصادی زیادی در این بخش وجود دارد. دولت‌ها برای اینکه بتوانند حداکثر میزان این رانت را به خود اختصاص دهند رژیم‌های مالی منابع نفت و گاز را تدوین می‌کنند. دولت‌ها در برقراری یک رژیم مالی مناسب با بخش نفت، اهداف متنوعی را دنبال می‌کنند که مهمترین آنها عبارتند از:

■ توسعه منابع و ذخایر نفت و گاز

■ دسترسی بیشتر به تکنولوژی و دانش روز

■ بهبود مدیریتی و توجه به کسب

سود بیشتر

■ تأمین آسان و سریع منابع پیش‌بینی شده از نفت دولت‌های نفتی ترجیح می‌دهند رابطه خود و شرکت‌های نفت را به گونه‌ای تنظیم کنند که همواره مدیریت سیاسی خود بر شرکت‌های نفت را حفظ کرده و از نقدینگی چشمگیر این شرکت‌ها در جهت اهداف خود استفاده کنند.

### از دیدگاه شرکت ملی نفت

شرکت‌های نفت به عنوان بازیگران اصلی بخش نفت و گاز اهداف متعددی را در تنظیم رابطه خود با دولت در نظر دارند که مهمترین آنها بدین شرح است:

■ جذب آسان و سریع منابع مالی مورد نیاز برای توسعه

■ ایجاد ارتباط بلندمدت با بازار و شرکت‌های فعال در جهان

■ داشتن سهم مناسبی از درآمدهای حاصل از استخراج نفت

و گاز

■ حفظ اهداف تجاری شرکت و تلاش برای حداکثر کردن سود

■ فراگیری و جامعیت رژیم مالی در کل مراحل اکتشاف،

عدم تصویب اساسنامه‌ای متناسب با قانون اساسی سبب شده تا دولت بر اساس اساسنامه سال ۵۶ اختیاراتی در بحث نفت نداشته باشد.

استفاده از ارز حاصل از صادرات نفت، مازاد بر پیش‌بینی بودجه، جهت تأمین هزینه‌های سرمایه‌گذاری صادر شد. از مهمترین تحولات اواخر دوره مورد بحث، صدور مجوز استفاده از روش بیع متقابل برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای است که بازپرداخت این طرح‌ها پس از زمان بهره‌برداری و از محل تولید آن صورت می‌گیرد.

#### دوره دوم - برنامه سوم توسعه ۱۳۷۹-۱۳۸۳

از سال ۱۳۷۹ به بعد (در برنامه سوم توسعه) همه درآمد حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی، گاز، مایعات و میعانات گازی به شرکت نفت داده شد تا صرف هزینه‌های شرکت و اجرای طرح‌های سرمایه‌ای مصوب مجلس و واردات فرآورده‌های مورد نیاز کشور شود و شرکت نفت تأمین نیازهای داخلی به فرآورده‌ها و حفظ و توسعه سطح فعلی تولید نفت خام و اجرای برنامه تولید صیانتی از مخازن نفتی را متعهد شده بود. از این زمان بود که برای شرکت ملی نفت ایران منابع جدیدی جدا از ساختار بودجه شکل گرفت.

هرچند این اقدام انگیزه لازم برای افزایش صادرات فرآورده و کسب درآمد ارزی بیشتر را ایجاد کرد (البته عمدتاً نفت کوره)، اما منبع مطمئنی برای تأمین منابع مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت نبود. زیرا رشد سریع تقاضای بنزین موجب افزایش سریع هزینه‌های تأمین واردات آن شد و منابع مالی ایجاد شده برای کمک



به طرح‌های سرمایه‌گذاری روز به روز تحلیل رفت.

#### دوره سوم - برنامه چهارم توسعه ۱۳۸۴-۱۳۸۸

از سال ۱۳۸۴ رابطه مالی دولت و شرکت نفت در قالب تبصره‌های بودجه (تبصره ۱۱) تعریف شد و سالیانه قسمتی از درآمد حاصل از صادرات نفت مستقیماً در اختیار شرکت نفت قرار گرفت. (حدود ۶ درصد خشکی و ۱۱ درصد دریا)، همچنین به دولت اجازه داده شد از حساب ذخیره ارزی بابت مابه‌التفاوت قیمت آزاد و قیمت فروش تکلیفی فرآورده‌های نفتی در داخل برداشت کرده و به شرکت‌های پالایش و پخش، گاز و توانیر پرداخت کند. بنابراین از سال ۱۳۸۴، شرکت نفت درآمد حاصل از فروش داخلی نفت و فرآورده، فروش گاز طبیعی، درآمد ناشی از صادرات فرآورده‌ها، مایعات و میعانات گازی و از همه مهمتر قسمتی از درآمد حاصل از صادرات نفت خام را در اختیار گرفت. در کنار آن سالیانه مبالغی از بودجه عمومی به عنوان یارانه صرف واردات فرآورده‌ها و مبالغی از حساب ذخیره ارزی نیز

شرکت واریز می‌شد و از محل این درآمدها و همچنین با استفاده از منابع مالی داخلی و خارجی، کلیه فعالیت‌های جاری و توسعه‌ای خود را تأمین مالی می‌کرد و در نهایت مبالغی را تحت عنوان سود سهام و مالیات بر عملکرد به دولت می‌پرداخت. همچنین با اخذ بهره مالکانه از شرکت‌های عضو کنسرسیوم و شرکت‌های دیگر و کسریک درصد از آنها به عنوان ذخیره عمومی، بقیه را به خزانه دولت واریز می‌کرد. در کنار این، شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های وابسته برای جبران کسری هزینه‌های خود از بودجه‌های عمرانی دولت و استقراض از منابع داخلی و خارجی استفاده می‌کردند.

بنابراین همه درآمدهای نفت و گاز و فرآورده و سود ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها در داخل و خارج و سهم درآمدی ایران در قراردادهای ابتدا به حساب شرکت نفت واریز شده و این شرکت علاوه بر تأمین هزینه‌های خود مبالغی را تحت عنوان ذخایر و اندوخته‌ها از آنها برداشت کرده و مابقی را تحت عناوین مختلف به دولت می‌پرداخت.

### پس از انقلاب اسلامی

#### دوره اول - از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز برنامه سوم (۱۳۷۹)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸، شورای انقلاب با تصویب تبصره دائمی «۳۸» قانون بودجه سال ۱۳۵۸ رابطه مالی دولت و نفت را تغییر

داد. به موجب این قانون همه وجوه حاصل از فروش نفت خام و فرآورده‌های صادراتی مستقیماً به حساب خزانه داری کل منظور می‌شد.

درآمدهای ناشی از بهره مالکانه حذف و شرکت‌های خارجی از کشور اخراج شدند. بنابراین در این دوران درآمد شرکت نفت محدود به فروش داخلی نفت و فرآورده، فروش گاز طبیعی، دریافت از محل درآمدهای عمومی طبق قوانین بودجه سنواتی و منابع بانکی داخلی بود. مسئله بسیار مهم در این رابطه مالی، وابستگی شدید شرکت نفت به درآمدهای ناشی از فروش داخلی فرآورده‌ها (عملکرد بخش پایین دستی خود) و بودجه عمومی کشور بوده است.

از سال ۱۳۶۶ به بعد در تبصره‌های بودجه، مجوز صادرات روزانه حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت برای تأمین هزینه‌های واردات فرآورده‌ها و کمک به اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری مصوب در صنعت نفت داده شد. همچنین در این سال‌ها به صورت موردی اجازه

صرف پرداخت مابه التفاوت قیمت آزاد و تکلیفی فرآورده‌ها می‌شد.

### مسائل کنونی رابطه مالی دولت و نفت عدم رعایت قانون اساسی

■ اصل چهل و پنجم (۴۵) قانون اساسی - طبق این اصل دولت (وزارت نفت) مالک منابع حاصل از صادرات نفت و گاز نیست، بلکه مدیریت منابع نفت و گاز کشور را به نیابت از حکومت در اختیار دارد. در نتیجه رابطه مالی دولت و نفت باید به گونه‌ای تنظیم شود که منابع حاصل از استحصال نفت و گاز به عنوان ثروت عمومی بین نسلی به تدریج از منابع عمومی دولت تفکیک شود.

■ اصل پنجاه و سوم (۵۳) قانون اساسی - این اصل بر تمرکز همه درآمدهای دولت در خزانه تأکید دارد. مجلس در سال‌های گذشته همواره از اریز نشدن بخشی از درآمدهای نفت و گاز به خزانه انتقاد داشته است علت این مسئله در سازوکار طراحی شده در تبصره‌های بودجه سال‌های برنامه چهارم بوده است.

■ اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی - طبق این اصل قراردادهای نفت و گاز با طرف‌های خارجی همانند بقیه قراردادهای خارجی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. در سال‌های گذشته به دلایل مختلف مجلس از دسترسی به قراردادهای نفت و گاز محروم شده است.

### عدم شفافیت

- در این بخش مسائل متعددی وجود دارد که به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

■ بخش قابل توجهی از نفت تولیدی کشور هر ساله در داخل به مصرف می‌رسد نحوه ارزش گذاری و انعکاس ارزش این بخش از تولید نفت در بودجه شفاف نیست و هر ساله یکی از موارد اعتراض دیوان محاسبات بوده است.

■ در سال‌های برنامه چهارم سود سهام و مالیات شرکت نفت در خلال تبصره‌های قوانین بودجه سنواتی و بی ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی آن و به صورت درصدی مشخص از ارزش نفت تولیدی تعیین می‌شود. با افزایش قیمت نفت همواره بخشی از این سود سهام و مالیات در اختیار شرکت نفت مانده و در سال‌های بعد به صورت سود سهام و مالیات معوقه پرداخت می‌شود. نحوه پرداخت سود سهام و مالیات شرکت نفت نیز یکی از مسائلی است که شفافیت منابع و مصارف شرکت نفت را زیر سؤال برده است.

■ طبقه بندی‌های ارقام منابع بودجه‌ای در حال حاضر به

گونه‌ای است که بخشی از درآمدهای نفتی ذیل درآمدهای غیر نفتی طبقه بندی می‌شود (سود سهام و مالیات شرکت نفت و استفاده از حساب ذخیره ارزی از این جمله‌اند). همین امر موجب شده است که فرایند وابستگی بودجه به نفت سازوکار پیچیده‌تری پیدا کرده و نزد سیاست‌گذاران کشور ابهام ایجاد کند.

■ سالیانه بخشی از نفت خام به صورت معاوضه صرف واردات فرآورده‌های نفتی و همچنین مبالغی از حساب ذخیره ارزی صرف پرداخت مابه التفاوت قیمت آزاد و تکلیفی فرآورده‌ها می‌شود. این مسائل نیز محاسبات مربوط به نفت را دشوارتر کرده و شفافیت را مخدوش ساخته است.

■ احکام متعدد و غیرهماهنگ در تبصره‌های بودجه سالیانه در مورد درآمدهای نفت نیز سبب عدم شفافیت درآمدها و هزینه‌ها و ابهام و سردرگمی مقامات ناظر بر بودجه شده است. احکامی مانند اختصاص درآمد حاصل از صادرات فرآورده به شرکت نفت، اختصاص چند ده هزار درآمد نفت به شهرستان‌های توسعه نیافته، اجازه صادرات نفت جهت معاوضه با بنزین، واگذار کردن پرداخت بخشی از یارانه بنزین وارداتی به شرکت نفت و... همگی مسائل مالی نفت را پیچیده کرده‌اند.

رابطه مالی دولت و نفت باید خارج از مباحث بودجه و به گونه‌ای تنظیم شود تا مسائل مطرح شده را شفاف

فقدان سازمانی به نام وزارت نفت سبب شده تا وظایف نظارتی و حاکمیتی صنعت نفت به خوبی صورت نگیرد.

و قابل پیگیری کند.

### تولید صیانتی از مخازن

یکی از دغدغه‌های جدی، برداشت صحیح از منابع نفتی کشور است. این برداشت نباید به گونه‌ای باشد که عمر مخزن را کاهش داده و بخشی از نفت را برای همیشه از دسترس خارج کند. لازمه این امر حاکمیت سازوکار مدیریتی و مالی است که این هدف را تعقیب و تضمین کند.

### مشکلات ساختاری

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حوزه نفت براساس قانون نفت مصوب ۱۳۵۳ و اساسنامه شرکت نفت مصوب سال ۱۳۵۶ ساماندهی می‌شد. در این اساسنامه شرکت نفت هم مسئولیت حاکمیتی نفت و هم مسئولیت اجرایی نفت را برعهده داشت. با پیروزی انقلاب، شورای انقلاب قانونی را تصویب کرد که وظایف حاکمیتی حوزه نفت و گاز و پتروشیمی را به وزارت جدیدی به نام وزارت نفت واگذار می‌کرد و شرکت‌های نفت، گاز و پتروشیمی زیر نظر این وزارتخانه قرار گرفتند. اما بعد از گذشت ۳۰ سال از

پالایشی صورت می‌گیرد. در کنار اینها شاخص‌های مالی نقش بسیار مهمی در رتبه‌بندی شرکت‌ها دارند. شفافیت هر چه بیشتر وضعیت مالی در تعاملات شرکت با سایر مؤسسات مالی دنیا اهمیت دارد. مهمترین این شاخص‌ها عبارتند از: درآمد ناخالص، سود خالص و میزان کل دارایی‌های شرکت.

### نوسانات دائمی در روابط دولت و نفت به دلیل تنظیم روابط به صورت سالیانه

تنظیم رابطه مالی دولت و نفت به صورت سالیانه و در قالب لایحه بودجه تبعات زیر را در پی داشته است:

- امکان برنامه‌ریزی بلندمدت در صنعت نفت را مخدوش ساخته است.
- تغییر طبقه‌بندی صورت‌های مالی امکان تطبیق صورت‌های مالی در سال‌های مختلف را دشوار کرده است



- وقت زیادی از نمایندگان و دولت را در ایام محدود بررسی بودجه به خود اختصاص داده است معمولاً به سبب محدود بودن فرصت بررسی لایحه بودجه مباحث نیمه‌کاره و ناقص باقی مانده و بعضاً تحت تأثیر سایر مسائل بودجه قرار گرفته‌اند

### جایگاه نفت در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه

در بند ۲۲ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه مستقیماً به نفت پرداخته شده است. در این بند آمده است:

تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن از منبع تأمین بودجه عمومی به منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و ایجاد صندوق توسعه ملی با تصویب اساسنامه آن در مجلس شورای اسلامی در سال اول برنامه پنجم و برنامه‌ریزی برای استفاده از مزیت نسبی نفت و گاز در زنجیره صنعتی و خدماتی و پایین دستی وابسته بدان با رعایت: ۱. واریز سالیانه حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات

تصویب این قانون، وزارت نفت هیچگونه اموالی در اختیار ندارد و کلیه اموالی که در اختیار وزارتخانه و حتی ساختمانی که وزارتخانه در آن قرار دارد متعلق به شرکت نفت است و هزینه‌های ستادی وزارت نفت توسط شرکت نفت پرداخت می‌شود. در کنار اینها وزارت نفت هیچ پرسنلی در اختیار ندارد و تمامی کارکنان وزارت نفت (پیش از ۵۰۰ نفر) مأمور از شرکت نفت می‌باشند.

فقدان سازمانی به نام وزارت نفت سبب شده که عملاً وظایف نظارتی و برنامه‌ریزی و حاکمیتی صنعت نفت که به استناد قوانین برنامه سوم و چهارم می‌بایست توسط وزارت نفت اعمال شود به خوبی صورت نگیرد و وزارت نفت فاقد خط مشی مشخص باشد و برنامه‌های استراتژیک و بلندمدت آن به فراموشی سپرده شوند. به عنوان نمونه با وجود تأکید کارشناسان مستقل، هنوز مطالعات جامعی درباره میزان ذخایر گاز و نفت کشور و بررسی منافع و مضار صادرات گاز یا تزریق آن به مخازن نفت کشور صورت نگرفته

است. از سوی دیگر عدم نیاز وزارت نفت به بودجه عمومی سبب شده وزارت نفت خود را بی‌نیاز از دستگاه‌های نظارتی و مجلس ببیند و به تکالیف قانونی مصرح در قوانین بودجه عمل نکند. به نظر می‌رسد علت اساسی ضعف وزارت نفت، ساختار سازمانی و اساسنامه کنونی شرکت ملی نفت است. زیرا پس از انتخاب وزیر نفت به وسیله رئیس جمهور و تأیید مجلس، وزیر نفت بلافاصله به عنوان رئیس هیئت مدیره شرکت منصوب می‌شود و همه اختیارات وزارتی در اختیار تصمیم‌گیری‌های شرکت نفت قرار می‌گیرد و بدین ترتیب فرایند و قدرت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به طور کلی در شرکت ملی نفت متمرکز می‌شود.

### نامعین بودن وضعیت شرکت نفت از لحاظ معیارهای کارآیی، اعتبار بین المللی و..

برای بررسی و مقایسه عملکرد شرکت‌های ملی و شرکت‌های بین‌المللی نفت شاخص‌های متفاوتی وجود دارد. مقایسه عملکرد فیزیکی بر اساس شاخص‌های میزان تولید، میزان ذخایر و ظرفیت

### توجه به دغدغه های ذینفعان اصلی صنعت نفت

اساسنامه شرکت ملی نفت ایران به گونه ای تنظیم شود که وزارت نفت به نمایندگی از مردم ایران بتواند وظایف حاکمیتی حوزه نفت و گاز و پتروشیمی را انجام دهد و شرکت های ملی نفت، گاز و پتروشیمی به صورت واقعی زیر نظر این وزارتخانه قرار گیرند. بی هویتی ساختاری سازمان نفت کشور، زمینه عدم استفاده از استعداد های ذاتی این صنعت و زمینه بروز اتهامات زیادی را فراهم کرده است. به نظر می رسد ایجاد ساختاری مستقل، شفاف، کارآمد و پیشرفته برای صنعت نفت بدون تدوین قانون نفت و اساسنامه منطبق با قانون اساسی و تأمین نظرات ذینفعان اصلی صنعت نفت کشور امکان پذیر نیست.

### لزوم شفافیت و نظارت پذیری

عملیات مالی شرکت نفت باید به گونه ای تنظیم شود تا به راحتی توسط دستگاه های ناظر مورد رسیدگی قرار گیرد. یکی از مسائلی که محاسبات شرکت نفت را پیچیده و مبهم کرده است، روش محاسبه فروش داخلی نفت خام و گاز طبیعی است. رابطه مالی دولت و نفت باید به طور صریح و شفاف این مسئله را حل کرده و قیمت مناسبی را برای فروش داخلی نفت خام و گاز طبیعی منظور نماید تا بتوان براساس آن محاسبات را به صورت واقعی انجام داد.

### تأمین سریع منابع مورد نیاز صنعت نفت و گاز

صنایع نفت و گاز بسیار سرمایه بر بوده و کشورهای نفت خیز برای حفظ سطح تولید خود و ادامه جریان درآمدهای نفتی مجبورند میلیاردها دلار در این صنعت سرمایه گذاری کنند. در همین حال تولید نفت با افت طبیعی سالیانه مواجه بوده و مصرف داخلی نیز در حال افزایش است. برای اینکه صادرات در حد کنونی بماند لازم است رشد سالیانه ظرفیت تولید نفت خام معادل نرخ افت تولید به علاوه نرخ رشد تقاضای داخلی باشد. البته لازم به ذکر است که افت تولید تنها به دلیل مشکلات سرمایه گذاری نیست، بلکه بخشی از آن به علت کمبود گاز طبیعی برای تزریق است.

سؤال اساسی برای کشور ما این است که منابع مالی برای سرمایه گذاری مورد نیاز برای چنین ظرفیتی در صنعت نفت چگونه تأمین شود؟ در تنظیم رابطه مالی نفت و دولت به این سؤال باید به روشنی پاسخ داد. ■

نفت و گاز و فرآورده های نفتی به صندوق توسعه ملی ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش های خصوصی تعاونی و عمومی غیردولتی با هدف تولید و توسعه سرمایه گذاری در داخل و خارج کشور با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی

۳- قطع وابستگی هزینه های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه

برای عملیاتی شدن این سیاست ها، ضروری است که رابطه مالی دولت و نفت به گونه ای تنظیم شود که حداقل ۲۰ درصد منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده ها به صندوق توسعه ملی اختصاص یابد.

همچنین در بند ۳-۳۴ آمده است هدفمند کردن پارانه های آشکار و اجرای تدریجی هدفمند کردن پارانه های غیر آشکار از آنجا که منابع حاصل از فروش داخلی نفت خام و گاز طبیعی یکی از اجزای مهم پارانه های غیر آشکار است رابطه مالی را به گونه ای غیر مستقیم تحت تأثیر قرار خواهد داد زیرا باید به گونه ای تنظیم شود که تدریجی بودن محاسبه قیمت واقعی نفت خام و گاز طبیعی را در نظر گیرد.

در بند ۲۷ سیاست هائیز به سرمایه گذاری در استحصال و استخراج گاز و نفت و معادن مشترک با کشورهای همسایه با رعایت سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پرداخته شده است. برای اجرای سیاست های کلی برنامه پنجم در بخش نفت و گاز و واریز حداقل

۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز فرآورده ها به صندوق توسعه ملی و دیگر اهداف این سیاست ها ضروری است رابطه مالی دولت و نفت تنظیم شود. با تصویب قوانین روشن کننده این رابطه است که می توان قطع وابستگی هزینه جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز را تضمین کرد و به هدفمند کردن پارانه های انرژی پرداخت و برنامه های مرتبط با استخراج نفت و گاز را پیش برد.

### پیشنهادی برای تنظیم رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران در برنامه پنجم

برای تنظیم رابطه دولت و نفت لازم است اصول زیر مدنظر قرار گیرد: